

- واژه‌های مشخص شده در کدام بیت آرایه «واژه‌آرایی» را تشکیل داده‌اند؟

- (۱) پیش تو در دلاوری روز محاربت بود شیر سپهر کم‌تر از شیر لَواى معرکه
(۲) به تغلّم نتوان داد فلک داد اما گر لب از ناله بپندی به خود احسانی هست
(۳) این ملک خلل گیرد گرد خود ملک رومی وین ورز به شام آید گر پادشاه شامی
(۴) آن مشتری خصال گر از ما حکایتی پرسد، جواب ده که به جانند مشتری

- واج‌های روبه‌روی کدام بیت به درستی نشان‌دهنده واج‌آرایی آن بیت هستند؟

- (۱) چه جهانی است جهان نگه آن‌جا که بود از بد و نیک جهان هر چه بجویند نشان (ج-ن-ا)
(۲) سوخت از درد جدایی دل به امید وصال مرهم داغ دل امیدوار من کجاست (و-د-م)
(۳) شعر من تابنده‌کوکب، شعر تو تاریک‌شب نور کوکب در شب تاریک گرده آشکار (ک-ش)
(۴) فرارز چرخ نیلی ناله مستانه‌ای دارد دل از بام فلک دیگر نمی‌آید فرود امشب (ن-ج-د)

- «واج‌آرایی» در کدام بیت به ایجاد فضای غم و اندوه کمک کرده است؟

- (۱) دل درهم و خاطر به غم و سینه به تاب است شهری به خروش است و جهانی به عذاب است
(۲) کدام یار که ما را پیام یار آرد از آن دیار حدیثی بدین دیار آرد
(۳) سرش مدام ز شور شراب عشق خراب چو مست دانم از آن گرد شور و شر می‌گشت
(۴) از جوش و خروش خم و خمخانه خیر نیست با جوش و خروش خم و خمخانه بگیریم

- در کدام ابیات «واژه‌آرایی» وجود دارد؟

- (الف) نه از حلاوت حلواى بی حد لب توست که چون کلوجه فتاده کنون در افواهم
(ب) تار زلفت را جدا مشاطه، گر از شانه کرد دست آن مشاطه را باید جدا از شانه کرد
(پ) به درد عشق بمیرم دواى خویش نپرسم که عاشقم من و عاشق صلاح کار نپرسد
(ت) بر رگ جان نواپرداز صائب همچو چنگ دستی ای دلدار زرین‌چنگ می‌باید کشید

- (۱) الف - ب
(۲) ب - پ
(۳) پ - ت
(۴) الف - ت

- درباره بیت زیر کدام توضیح زیبایی‌شناسانه درست است؟

- «گر ماه من ز مهر بود دور، دور نیست تا بوده، مهر و ماه ز هم دور بوده‌اند»
(۱) شاعر از واج‌آرایی برای بیان نشاط درونی خود استفاده کرده است.
(۲) کلمه «مهر» صنعت واژه‌آرایی پدید آورده است.
(۳) در این بیت فقط واج‌آرایی صامت دیده می‌شود.
(۴) کلمات «ماه» و «مهر» تکرار شده‌اند.

- «واج‌آرایی» در کدام بیت باعث شده است حالت غنچه‌شدن لب‌ها به هنگام بوسه به خواننده القا شود؟

- (۱) چون خاک در تو بوسه دادم با دیده اشکبار رفتم
(۲) گه مرا داد شگرش بوسه گاه سرّوش مرا گرفت کنار
(۳) ما را اگر محال نباشد به پیشگاه این فخر بس که بوسه دهیم آستانه‌ای
(۴) چشم از آینه‌داران خط و خالش گشت لبم از بوسه‌ریایان بر و دوشش باد

در مورد بیت زیر، کدام مورد درست است؟

- «مردم چشم مرا چشم بد مردم کشت پس به مردم به چه دل چشم دگر باز کنم»
(۱) چشم در معانی مختلفی آمده است و واژه‌آرایی ندارد.
(۲) مردم اول به معنای «افراد» و مردم دوم به معنای «مردمک» است.
(۳) مردم اول به معنای «مردم» و مردم دوم واژه‌آرایی ساخته است.
(۴) از ۳ واژه مردم، ۲ تاى آن هم‌معنى است.

چند بیت از ابیات زیر، آرایه «تکرار» دارند؟

- (الف) چگونه تاب تجلی عشقت آرد دل جو تاب مهر تحمل نمی‌کند خاره
(ب) مکن که می‌نخوری بر جمال گل یک ماه که باز ماه دگر می‌خوری پشیمانی
(پ) نشد شیرینی گفتار من از شوربختی کم که بحر تلخ‌رو شیرینی از گوهر نمی‌شوید
(ت) دارم اگرچه دست به معشوق در کمر حیرت همان به کوه و کمر می‌دواندم
(ث) عقل را کرده قابل سورت مایه را کرده قابل صورت

- (۱) پنج
(۲) دو
(۳) سه
(۴) چهار

- در کدام بیت «واژه آرایبی» دیده می‌شود؟

آشیان باز و شاهین، کبک را مأوا شود
حن رخت ز مهر، دل و جان پاک من
شادی روی دردمندان نوش
ولیکن خال او حالی دگر داشت

(۱) هر کجا بال همای چتر شاهی باز شد
(۲) مه راز مهر (: خورشید) نور فزاید از آن فزود
(۳) جرعه‌های ذرد درد اگر بابی
(۴) به رخ بر هر بتی خالی دگر داشت

- در چند بیت از ابیات زیر آرایه «تکرار» وجود دارد؟

زاهد مخمور را جامی نداد
عاقبت بر ملک قرار گرفت
به خیش خوش خویش باز آمدی
اسیر عشق بتان ترک هر فراغ کند

(الف) داد ساقی داد سرمستان تمام
(ب) مدتی ملک از تزلزل بود
(پ) چو مهر از افق بر فراز آمدی
(ت) فراغ نیست مرا از فراق او آری
(۱) یک
(۲) دو

(۴) چهار

(۳) سه

- کدام مصراع فاقد «واژه آرایبی» است؟

(۲) شیر هم شیر بود گرچه به زنجیر بود
(۴) نگاه ما به نگاهی ز بور خرسند است

(۱) شد روان از تن روان عاشقان
(۳) تا بوده مهر و بوده جان مهرت به جان ورزیده‌ام

- کلمه مشخص شده در کدام بیت آرایه «تکرار» دارد؟

کس دید روان بدین بدین روانی
تیر فلک زه کند تیر و کمان تو را
ماه چو آن عارض دلجوی نیست
چه جان فرق که زیبا ز فرق تا قدمی

(۱) جان دید کسی بدین لطیفی
(۲) چون تو به آماج‌گاه تیر نهی بر کمان
(۳) روی تو را ماه نگویم از آنک
(۴) ندانم از سروپایت کدام خوبتر است

- در کدام بیت، هم «واژه آوایی» و هم «واج آرایبی» وجود دارد؟

لیکن از شور شکر با مگی نتوان بود
حلقه شد از خدمت این در قدم
دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود
نقش شیرین را به چشم دیگران نگذاشتی

(۱) یک دم مرغ دل از خال تو خالی نبود
(۲) بنده محمودم و سر در قدم
(۳) رشته تبیح اگر بگست معذورم بدار
(۴) کوه‌کن در عشق شیرین غیرتی گر داشتی